



تختی، بی رقیب بعد از ۵۸ سال مردی برای موزه‌ها

پرونده

محسن وظیفه

روزنامه‌نگار

باز هم هفدهم دی شد و نام آقا تختی بر سر زبان‌ها افتاد. کسی که حالا دیگر بعد از گذشت ۵۸ سال از درگذشتش می‌توان به صراحت گفت، کاملاً از میان مردم ایران پرکشده است. دیگر فقط یک نام از او باقی مانده و جامعه ایران به خصوص جامعه ورزش به وضوح نشان می‌دهد که هیچ نام و نشانی از آقا تختی ندارد. جامعه امروز چه ورزشکارانش و چه مردم عادی و یا چه مسئولانش هیچ خط و ربطی با آقا تختی ندارند. روزگاری تصویر آقا تختی بر سر در مغازه‌ها و حجره‌ها بود اما حالا دیگر حتی همان هم نیست.

حالا بعد از ۵۸ سال آمدند و آثار او را در موزه ملک به نمایش گذاشتند اما واقعیت این است که تختی در همان موزه‌ها مانده است. چرا که رفتار قهرمانان و ورزشکاران ایران در طول این ۵۸ سال نشان داده که هیچ رنگ و بویی از تختی نبردند. در این ۵۸ سال که از درگذشت تختی می‌گذرد، بارها درباره تختی سخن به میان آمده و خیلی از ورزشکاران هم بارها گفتند که دوست دارند، یکی مثل تختی باشند اما نشدند. خیلی‌ها لقب تختی را به خودشان گرفتند اما حتی یک روز هم مثل تختی نبودند. فقط کافی است که چند اتفاق درباره زندگی آقا تختی را مرور کرد تا همه

خوب بدانند چرا شبیه به تختی نیستند. وقتی به تختی پیشنهاد دادند وارد عرصه سیاست شود، گفت مردم همین تختی ورزشکار را دوست دارند. وقتی گفتند، شهردار تهران باش، گفت مردم تختی کشتی گیر را دوست دارند. وقتی پادشاه مسابقات کشتی قهرمانی جهان را خواستند تقسیم کنند، گفت مدال نگرفتم و شایسته پادشاه نیستم. خودش مدال گرفت، گفت پادشاه متعلق به همه تیم است. وقتی گفتند تبلیغ عسل کن و تصویرت روی طرف عسل باشد، گفت مردم تنگدست هستند، نمی‌توانند بخرند. همین چند مورد کافی است تا رفتارهایی که بهترین ورزشکاران امروز ایران انجام دادند را کنار همین کارها قرار داد تا مشخص شود که بهترین ورزشکاران امروز هم تقصیر ورزشکاران امروز ندارند. البته شاید خیلی هم تقصیر ورزشکاران امروز نباشد، جامعه امروز تختی را نمی‌خواهد و نمی‌تواند مثل او را تربیت کند. تختی امروز به درد همان موزه می‌خورد و خیلی به کار کف جامعه نمی‌آید. جامعه‌ای که از صبح تا شب دنبال قیمت دلار و طلا است و همه در تلاش هستند تا از بازار نوسان بگیرند، تختی به چه کارش می‌آید؟ ورزشکاری که از صبح تا شب با ۱۰ نفر می‌بندد که شاید کمی بیشتر کیش بیاید، تختی به چه کارش می‌آید. ورزشکارانی که برای رسیدن به پست‌های سیاسی سرودست می‌شکنند و سال‌ها بعد همدیگر را می‌گویند، چه قربانی با تختی دارند؟ آقا تختی فقط یک نفر بود، بی تکرار و بی همتا؛ قیاس امروزی‌ها با تختی ظلم بزرگی است.

افتتاح موزه ملی کشتی در روز آقا تختی

مراسم افتتاح موزه ملی کشتی امروز (چهارشنبه) ۱۷ دی ماه همزمان با سالروز درگذشت جهان پهلوان غلامرضا تختی برگزار می‌شود. مراسم افتتاح موزه ملی کشتی شهید غلامرضا کیانپور امروز چهارشنبه با حضور احمد دنیامالی وزیر ورزش و جوانان و سیدرضا صالحی امیری وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ایران، جمعی از قهرمانان و پیشکسوتان کشتی و ورزش در محل فدراسیون کشتی برگزار می‌شود.



برش

حیدری: تختی فقط به فکر مردم بود

یکی از هم‌دوره‌های غلامرضا تختی که خوشبختانه هنوز در قید حیات است، علی‌اکبر حیدری است که البته تختی به او لقب عموجیدر داده بود. حیدری درباره تختی و دلیل محبوبیتش گفت: «تختی در دوره‌ای زیست که واقعاً پهلوانی مرام اول و آخر ورزشکارانش بود. تختی نامش بر سر زبان‌ها افتاد و در دل‌ها ماندگار شد چون ایمان قوی به خدا داشت و برای مردم حاضر بود هر کاری را انجام دهد. اعتقاد داشت که هر کاری برای خوشحالی مردم انجام بدهد، باعث خشنودی خدا هم می‌شود.»

حیدری با بیان اینکه امروز داریم قهرمانان زیادی را که در انجام کار خیر پای پیش می‌گذارند، ادامه داد: «واقعاً کیف می‌کنم امروز هم می‌بینم که قهرمانان و ورزشکاران ما در انجام کار خیر پیش قدم هستند. امیدوارم که این را در اولویت کارهای خودشان قرار بدهند اما اینکه بخواهیم کسی را با تختی قیاس کنیم این کار اشتباه است.»

او در پاسخ به اینکه چرا مدال‌ش را برای آزادی یک جوان اهدا کرد، گفت: «پسرم با جوانی که مرتکب قتل شده بود، آشنایی داشت و پدر آن جوان از پسرم خواسته بود که با پیش بگذاریم. من هم به اتفاق چند نفر از قهرمانان خوب جهان و المپیک مثل محمد نصیری و سلمان حسام قهرمان پرتاب دیسک به منزل مقتول رفتم و صحبت کردم. خانواده مقتول شرط کردند که اگر مدال المپیکم را به آنها بدهم، رضایت می‌دهند و من هم این کار را کردم.» حیدری در پاسخ به این سؤال که چگونه رضایتش شد تا مدال المپیکش را بخشد، ادامه داد: «با همسر مشورت کردم و بعد مدال را تقدیم به برادر مقتول کردم و آن جوان آزاد شد. خیلی خوشحالم واقعاً. مدال هم در ویترین مانده بود و خاک می‌خورد حالا ارزش بیشتری پیدا کرده است.» حیدری درباره نقش قهرمانان جامعه برای کمک به مردم و اینکه چرا یک نفر مثل تختی نیامده از نقش جامعه و رسانه‌ها در این باره گلایه کرد: «جامعه باید فرد را تربیت کند و اعتقاد دارم که امروز جامعه درگیر موارد دیگری شده است. رسانه‌ها هم در معرفی قهرمانان نقش مهمی دارند که احساس می‌کنم به آن عمل نمی‌کنند.»



سیف‌پور: مثل تختی نداریم، نگردید

یکی از ملی‌پوشان زمان غلامرضا تختی محمد ابراهیم سیف‌پور است. راننده مدال برنز المپیک ۱۹۶۰م که به همراه غلامرضا تختی در این بازی‌ها حضور داشت. آقا تختی سومین مدال‌ش در المپیک را کسب کرد و سیف‌پور اولین و آخرین مدال‌ش اما حالا بعد از ۵۸ سال که از درگذشت تختی می‌گذرد، یک سؤال ذهن ما را مشغول کرده و هم ذهن محمد ابراهیم سیف‌پور را، چرا یکی مثل تختی نداریم؟ او در این باره می‌گوید: «واقعاً کشتی ایران قهرمان کم نداشته. آدم بزرگ هم کم نداشته و ندارد اما یکی مثل تختی نداریم. خیلی‌ها امروز هستند که از جان و وقت خود به خاطر مردم زنده و در همه حال زندگی مردم دغدغه آنها شده اما تختی یک نفر بود.»

سیف‌پور ادامه می‌دهد: «تختی یک نفر بود؛ غلامرضا تختی که سه بار به فینال المپیک رسید اما شهرت و محبوبیتش به خاطر مدال‌هایش نبود. بلکه به خاطر مردم‌داری و مرام انسانی‌اش در دل مردم جا گرفت و نظیرش نیست. الان که اصلاً نباید دنبالش بگردی، چون نداریم اما حالا دوره خودش بودند کسانی که شبیه به تختی بودند اما واقعاً او یک اسطوره بود.»

دانشنده دو مدال طلای جهان در پاسخ به این سؤال که چرا جامعه امروز جای خالی یک نفر مثل تختی را احساس می‌کند، گفت:

«ورزشکاران و قهرمانان امروز هم عزیز هستند و نباید مطالب به‌نحوی مطرح شود که به کسی بر بخورد اما فکری کم که روزگار هم کمی تغییر کرده است. در آن دوره کنار تختی بزرگان دیگری بودند. مثل محمدعلی فریدن، عباس زندی و توفیق جهان‌بخت اما تختی بشدت مردم‌دار بود. در مردم‌داری هم پیشقدم بود و بقیه دنبال او راه می‌افتادند. در ماجرای زلزله بویین‌زهر همراه او به بازار رفتم. دیگران هم بودند؛ مثل مرحوم حسین ملاقاسمی اما واقعاً تختی به حدی پیش مردم اعتبار داشت که صاحب مغازه دخلش در اختیار تختی می‌گذاشت. خیلی طول نکشید که کیسه‌ای که در دست داشتیم پراز پول شد. ما هم بدون آنکه پول‌ها را بشمریم کیسه را به بویین‌زهر فرستادیم تا به دست نماینده‌های آنجا داشته‌باشیم. امروز اما واقعاً شرایط فرق کرده است. خیلی‌ها غرق در پول شدند و واقعاً پول حرف اول را می‌زند اما دوره ما به این شکل که همه غرق در پول باشند، نبود.»

سیف‌پور همچنین با بیان اینکه نام تختی در دل مردم و علاقه‌مندانش کم‌رنگ نمی‌شود، به دلایل از رسانه‌ها پرداخت: «رسانه‌ها هم نقش مهمی دارند. الان سالی یکبار همه یاد تختی می‌افتند. این خوب نیست که وقتی ۱۷ دی می‌شود همه به یکباره یاد تختی می‌افتند. باید در تمام سال درباره تختی نوشت و اخلاق و مرام او را ترویج کرد.»

گرامیداشت پنجاه و هشتمین سالگرد جهان پهلوان درری ابن بابویه میزبان عاشقان تختی

مراسم پنجاه و هشتمین سالگرد جهان پهلوان تختی امروز ۱۷ دی ماه ۱۴۰۴ از ساعت ۱۰ تا ۱۲ در آرامستان ابن بابویه بر سر مزار آقا تختی برگزار می‌شود.

ستاد گرامیداشت جهان پهلوان غلامرضا تختی در اطلاعیه‌ای از برگزاری مراسم پنجاه و هشتمین سالگرد این پهلوان ملی خبر داد. بر همین اساس، مراسم پنجاه و هشتمین سالگرد درگذشت مرحوم غلامرضا تختی روز چهارشنبه، ۱۷ دی ماه (امروز) در آرامستان ابن بابویه شهرستان ری برگزار می‌شود.

در این مراسم، جمعی از خانواده، دوستان و علاقه‌مندان به ورزش و پهلوانی، با یاد و نام جهان پهلوان تختی گرد هم خواهند آمد تا یاد و خاطره این اسطوره ورزش ایران را گرامی بدارند. ستاد گرامیداشت پنجاه و هشتمین سالگرد جهان پهلوان غلامرضا تختی در شهرستان ری از عموم علاقه‌مندان دعوت کرده است تا در این برنامه فرهنگی و ورزشی حضور یابند.

غلامرضا تختی که در زمان خود به «جهان پهلوان» معروف بود، یکی از پرافتخارترین ورزشکاران ایران در تاریخ کشتی است. او با قدرت، اخلاق و روحیه پهلوانی خود توانست نام ایران را در عرصه‌های بین‌المللی مطرح کند. تختی در طول دوران ورزشی خود موفق به کسب سه مدال المپیک (یک نقره و دو برنز) شد و در قهرمانی‌های جهان نیز دو مدال طلا و یک مدال نقره به دست آورد. علاوه بر افتخارات جهانی، او چندین عنوان قهرمانی آسیا و جام‌های بین‌المللی را در کارنامه خود ثبت کرده است.

تختی نمایش نمی‌داد تا «تختی» بماند بهر روز یاری: بعضی ادا درمی‌آورند، اما اندازه آقا تختی نیستند!

مصاحبه

رضاعباسپور

خبرنگار

۱۹۹۰ پکن و ۱۹۹۴ هیروشیما همکلام شدیم تا این بار منشی و راه و رسم پهلوانی «تختی» را از زبان این پیشکسوت کشتی بشنویم.

جایگاه مقدس آقا تختی به کسی نمی‌رسد

بهر روز یاری، قهرمان و ستاره پیشین کشتی آزاد ایران و یکی از چهره‌های نام‌آشنای این رشته پرافتخار با بیان این مطلب که متأسفم از اینکه فقط سالی یکبار یاد آقا تختی می‌افتیم در این خصوص می‌گویم: «ساحت و جایگاه جهان پهلوان غلامرضا تختی به قدری در روزگاری که ما در آن نفس می‌کشیم و زندگی می‌کنیم دست‌نیافتنی و غیرقابل تکرار است که نمی‌توان کسی را در این مرتبه و رتبه با شرایط فعلی متصور شد. البته هستند افرادی که هر از گاهی می‌بینیم می‌خواهند به طرق مختلف خودشان را هم‌ردیف آقا تختی جا بزنند و طوری در جامعه وانمود کنند که گویی تختی دوباره در ورزش ایران متولد شده است. اما حقیقت ماجرا این است که مردم امروز یک «تختی» داشته و دارند و آن هم مرحوم جهان پهلوان غلامرضا تختی است که پنجاه و هشت سال پیش از میان ما رفته است. به

نظرم اینکه ما زور بزنیم تا خودمان را تختی جا بزنیم، بیشتر باعث می‌شود خودمان را خراب کنیم و در جامعه مورد تمسخر قرار بگیریم.»

جام آقا تختی هر سال آب می‌رود!

دانشنده نشان برنز کشتی آزاد جهان در سال ۱۹۹۴ در خصوص اینکه چرا بعد از گذشت ۵۸ سال از فوت آقا تختی نمی‌توانیم یکی مثل تختی در ورزش کشور داشته باشیم، تأکید دارد: «همیشه آن جمع حضور داشتیم، این را بدون رودربایستی بگویم که مرحوم جهان پهلوان غلامرضا تختی تا زمانی که زنده بود، هیچ وقت سعی نکرد برای اینکه تختی بماند و مردم او را ستایش کنند، نمایش بدهد و شواقت راه بیندازد. تختی همیشه سعی کرد خود واقعی و حقیقی‌اش باشد و برای مردم ادا درنیاورد؛ همین هم باعث شد، آقا تختی در قلب مردم ایران جایگاه ویژه و بالایی را تصاحب کند که بعد می‌دانم کسی بتواند این جایگاه و ساحت مقدس را تصاحب کند. الان می‌بینم یکسری می‌خواهند به زور خودشان را تختی نشان دهند، اما هر چقدر زور می‌زنند بیشتر دست‌شان و ادا بازی‌هایی

تبدیل شده است به همه چیز و اولویت اصلی، دیگر مرام و مسلک و خلق و خوی پهلوانی آقا تختی جایگاهی ندارد! به قول سعیدی: «خرما نتوان خورد از این خار که گشتیم... دنیا نتوان یافت از این پشم که رشتیم... ما کشته‌نفسیم و بسی آه برآید... از ما به قیامت که چرا نفس نکشیم... افسوس بر این عمر گرانمایه که بگذشت... ما از سر تصویر و خطا درنگ‌ناشتیم... دنیا که در او مرد خدا گل نرسفته است... نامرد که ماییم، چرا دل بسرشتیم» قطعاً با این اوصاف خیلی نباید دنبال یکی مثل آقا تختی در ورزش کشور باشیم. شما می‌بینید که سال به سال مراسم سالگرد آقا تختی آب می‌رود و نسبت به سال گذشته از نظر تبلیغاتی و کیفی به نسبت سال قبل در سکوت و انزوای خبری بیشتر برگزار می‌شود. این‌طور به نظر می‌رسد که ما فقط یاد گرفتیم روز ۱۶ دی ماه آقا تختی را به صورت عادت سالیانه و تکراری زنده کنیم، روز بعد یعنی ۱۷ دی ماه هم او را دوباره به خاک بسپاریم، این تنها چیزی است که در حال حاضر از آقا تختی برای ما به جا مانده است.»

آقا تختی را سالی یک بار زنده می‌کنیم و به خاک می‌سپاریم!

بهر روز یاری در پایان می‌گوید: «تردید ندارم که جوانان ما الگوی اخلاقی و پهلوانی خود که آقا تختی بوده را کم کردند. چون در روزگاری که دلار، طلا، سکه، پول و پادشاهی‌های میلیاردی برای مسئولان، مدیران و ورزشکاران و قهرمانان

